فتح توتراکان

بنای تیر انداختن بطرف او میگذارند.کاپیتن دستهای خود را از آب‏ بیرون آورده بلند مینماید یعنی که او تسلیم است ولی انگلیسها دست از شلّیک‏ برنمی‏دارند.یک گلوله دهان او را درهم می‏شکند ولی بیچاره‏ دندانهایش را بهم فشرده باز شنا میکند تا آنکه بالأخره یک گلوله بقفای‏ او خورده جان میدهد آنوقت انگلیسهای جوانمرد دست از شلیک خود برمیدارند.

«نیکوسیان»بجانب مقصد خود منموث روان میشود و از آنجا دوباره‏ بامریکا مراجعت مینماید ولی فرمانده کشتی انگلیسی یک نامهء محرمانه بکاپیتن‏ «نیکوسیان»مینویسد و از او استدعا مینماید که باجزاء کشتی خود بسپارد که چه در بنادر انگلستان و چه در امریکا از آنچه دیده‏اند کلمهء بر زبان‏ نیاورند و امضای نامهء مذکور این است:«کاپیتن ویلیام ماک براید- بارالونگ».

این واقعه در وهلهء اوّل مثل یکی از قصّه‏های دزدان دریائی و حکایات‏ غریبهء منسوب بآنها بنظر میآید ولی صحّت این مسئله را شهادت هفت نفر امریکائی بتحقیق می‏رساند.این هفت نفر پس از آنکه سوگند بصداقت‏ گفتهای خود یاد کرده‏اند در مقابل محکمه‏های ممالک متّحدهء امریکا عین‏ فقرات مذکور را شهادت داده‏اند و از آنجائیکه اقوال ایشان در مهمّات‏ واقعه با یکدگر موافقت تامّ دارد دیگر جای شکّی در صحّت مطلب نمیماند.

وقتیکه این خبر بآلمان رسید در تمام مملکت یک هیجان عظیمی تولید نمود. دولت آلمان پس از آنکه بتمام جزئیّات کار از روی دقّت اطّلاع بهمرسانید در 20 محرّم 1334 یادداشتی بدولت انگلیس فرستاد متضمّن شرح واقعه‏ جزء و کلاّ با شهادتهای امریکائیها بقید قسم و درخواست کرد که دولت‏ انگلیس فورا فرمانده«بارالونگ»را با اجزاء او در مقابل یک محکمهء نظامی حاضر نموده و آنها را مطابق قوانین نظامی مجازات دهند و الاّ دولت‏ آلمان مجبور خواهد شد که بوسائل دیگر باحقاق حقّ خود بپردازد.یاد داشت دولت آلمان با وجود تأثّرات شدیدهء ملّت بکلّی آرام و عاری از عبارات‏ و اشارات تشدّدآمیز بود و منتظر بودند که چون این جنایت کار یک‏ شخص بخصوصه بوده دولت انگلیس برای شستن این لکّهء ننگ از رخسارهء شرف خود در سیاست فرمانده مزبور سستی روا نخواهد داشت. جواب یادداشت مزبور در 4 صفر بسفیر ممالک متّحده در لندن داده‏ شد که بدولت آلمان برساند.جواب دولت انگلیس تنفّر عموم را از یک‏ بهزار رسانید.بدون اینکه دولت انگلیس هیچ در صدد ترمیم مافات‏ برآید با عبارات ناهنجار پر از دشنام و بدون اقامهء هیچگونه دلیلی تقصیرات‏ زیاد و تهمتهای بسیار بر قشون آلمان وارد میآورد و واضح از آن فهمیده‏ میشود که بدون آنکه دولت انگلیس بتواند دلیلی بر تکذیب مسئله بیاورد نمیخواهد مقصّرین را مجازات بدهد.و اظهار اینکه مسئله را بیک محکمهء از دول بیطرف تفویض نمایند قطعا وسیلهء گریز از میدان است.و دولت‏ امریکا نیز که ملتفت این نکته گردیده بوده اظهار داشت که برای او ممکن‏ نیست که در این قضیّه حکم بشود.و واضح است که موافق اصول بین‏ المللی در اینگونه مواقع محاکمه در محضر محکمهء دولتی میشود که مقصّر رعیت آن دولت است و دولت آلمان هم غیر از اینکه مقصّرین انگلیسی در محضر یک محکمهء انگلیسی محاکمه شوند چیز دیگری نخواسته بود.و از اینرو دولت انگلیس خود را در این جنایت با کاپیتن«بارالونگ»شریک‏ قلم میدهد و میفهماند که دولت انگلیس هلاک ساختن دشمنان بی‏دفاع را که حاضر تسلیم شدن هستند جائز میشمارد بدون اینکه در این اتلاف‏ نفس هیچگونه تصوّر لزوم و ضرورتی مرعیّ باشد.

جواب دولت انگلیس بیشتر از خود واقعه باعث تنفر عمومی در آلمان گردید و حتّی در مجلس«رایشتاگ»هم تمام وکلا و نمایندگان جمیع‏ احزاب با عبارات شدید تنفر خود را از رفتار زشت دولت انگلیس اظهار داشته و تمام وکلا متّفق شدند که من‏بعد در این فقره دیگر پیرامون‏ مفاوضات و ردّوبدل یادداشتهای بیهوده نگردند.

دولت آلمان در 6 ربیع الأوّل جوابی بدولت انگلیس فرستاد و در آنجا با ادلّه ثابت نمود که بهتانهای انگلیس نسبت بقشون آلمان بی‏اساس‏ است،کتاب سفیدی که در ابتدای مقاله اشاره بآن شد مینویسد: «بدیهی است که آلمان حاضر نخواهد شد که تقلید رفتار انگلیسها را کرده‏ و مثلا اسرای جنگی انگلیس را برای تقاصّ تیرباران نماید ولی از این‏ ببعد بعضی رعایتها را کنار گذارده و استعمال زیپلین را مجاز خواهد دانست‏ و هروقت که یک زیپلین در فضای لندن یا شهر دیگری از انگلستان‏ پرواز نماید دولت و ملت انگلیس باید متذکّر واقعهء بارالونگ بشوند».

5فتح توتراکان

سه سال پیش از این بعد از آنکه دول بالکانی اینقدر بسر و کلّهء یکدیگر زدند که همه ضعیف و ناتوان شدند در دقیقهء آخر یک مرتبه دولت‏ رومانی سردرآورده قشون ظفرنمون را حرکت داده برای اصلاح ذات‏ البین و آشتی دادن برادران کج‏خلق با کمال متانت قدم بمیدان گذارده عهد نامهء بخارست را بست و در ضمن قسمتی از دبروجه را بلع فرمود.

این مرتبه هم قطعا باز بهمان خیال بعد از آنکه خوب فکرهای خود را کرده و بعقیدهء خود دیگر مانعی در پیش نمیدید و زمینه را خوب مستعدّ و حریفان را خوب خسته و مرده پنداشته با خود گفت یارو چه نشستهء حالا باز وقت بلع طعمهء مهیّا شدهء از همه بازمانده است:بگیر و ببند و بده‏ بدست پهلوان!لهذا در 28 اوگوست گذشته بدون هیچ مقدّمهء وادنی‏ مخابرهء و هیچگونه«اولتیماتوم»فجأة اعلان جنگ باطریش نموده و با عساکر نصرت مآثر و دلاوران کوه‏پیکر و توپهای قلعه‏کوب

تو گفتی که دریا بجوش آمدست‏ بر او موج پولادپوش آمدست

با سری پر از باد و کلّهء پر از طمع و سینهء پر از کینه رستم صولت و افندی...سرکار پهلوان پنبهء راه افتاد.

جهان کر شد از نالهء بوق و کوس‏ زمین آهنین شد سپهر آبنوس

بمحض وصول این خبر بهجت اثر بممالک متّفقین شهرها را با بیرقهای‏ دول متّفقه آرایش داده و تلگرافات تهنیت از هر طرف بپادشاه رومانی و آن ملّت شجاع دلاور که خودداری نتوانسته و قربة الی اللّه با خلوص‏ نیّت بحمایت تمدّن و حقّ و آزادی بر ضدّ«وحشیّت»آلمان برخاسته مثل‏ باران بارید.

ولی یا رومانی ایندفعه سوراخ دعا را گم کرده بوده و در مقایسهء دول‏ آلمان و اطریش و عثمانی و بلغار بدول بالکان 1913 قدری در حساب‏ خط نموده بوده یا سوء اتّفاق و بخت بد و قضا و قدر بوده یا شجاعت‏ و شهامت قشون بلغار و آلمان بوده نمیدانیم در هر صورت نتیجه چنان شد که حریفان فورا مبارزهء او را قبول و فقط پنج روز بعد از اعلان جنگ‏ قشون آلمان و بلغار از سرحدّ رومانی عبور نموده و روز بعد شهر دوبریج‏ و دو روز بعد قلعهء مستحکم توتراکان(تورتوغای)واقعه بر لب دانوب را بضرب توپهای مهیب در ظرف چند ساعت زیر و زبر نموده قلعه را با تمام‏ ساخلو یعنی 21 هزار اسیر و 400 صاحب منصب و صد توپ متصرّف‏ شدند.

بدبختانه هنوز باد بپرچم بیرقهای متّفقین در کوچهای لندن و پاریس‏ و پطرزبورغ میوزید و هنوز مرکّب اعلان جنگ خشک نشده بود که خوشی‏ از دماغ ایشان درآمد و«دوش»سرد این ضربت منکر همهء حرارتهای‏ ساعت اوّل را یخچال نمود.

ولی آیا خیال میکنید که حریف باین آسانیها از میدان درمیرود و سقوط توتراکان را با 21000 اسیر یک شکستی برای خود فرض میکند؟ باید شخص خیلی کم‏حافظه باشد و فقرهء درازو را فراموش کرده باشد. من نذر می‏بندم که رؤسای دول اتّفاق باز با پادشاه رومانی تلگرافات تهنیت‏ در باب«عقب‏نشینی کامیابانهء قشون رومانی از توتراکان»باهم مبادله‏ خواهند کرد!

متعاقب این واقعه خبر فتح سیلستره یکی دو روز بعد و یک شکست‏ بسیار فاحش قشون رومانی و روس در دبروجه در 15 سپتامبر که از قرار مذکور نه«دیویزیون»از قشون ایشان بکلّی نیست شده رسید.

6ورود

جناب میرزا عبد الحسین خان کاشانی وحید الملک از وکلای مجلس‏ ملّی ایران و یکی از پیشروان ملیّون ایرانی که بسمت نمایندگی از جانب هیئت‏ وطن‏پرستان و حضرت اشرف آقای نظام السّلطنه با جناب آقا میرزا محمّد صادق طباطبائی نایب رئیس مجلس برای مذاکرات بعضی مطالب ملّی در پایتختهای عثمانی و آلمان و اتریش فرستاده شده‏اند اینک پس از یک ماه‏ و نیم اقامت در اسلامبول و مذاکرات با مقامات رسمی و پیشروان ملّت عثمانی‏ در دهم ذی القعده ببرلین ورود نمودند.همقطار محترم ایشان جناب آقای‏ طباطبائی هنوز در اسلامبول تشریف دادند.ما ورود جناب وحید الملک را ببرلین تبریک گفته و امیدواریم در مقاصد خویش و هیئتی که‏ ایشانرا فرستاده‏اند کامیاب گردند.

7اخبار اخیرهء ایران

در فاصلهء میان انتشار شمارهء سابق روزنامه و طبع این شماره جریان‏ کار ایران از این قرار است:

در حوالی همدان جنگ مداومت دارد و قشون عثمانی و جنگاوران ملّی‏ ایرانی پس از استخلاص دولت‏آباد بطرف مشرق پیش میروند و مجدّدا در 8 ذی القعدة جنگ مهمّی در دیزآباد در 6 فرسخی در شمال شرقی دولت‏ آباد با روسها درگرفته و بکامیابی قشون اسلامی و عقب نشستن روسها منتهی شد.

آقای نظام السّلطنه فرمانفرمای تمام قسمت ایران آزاد با هیئت مشاورین‏ خود و وکلای ملّت و سایر ملّیون یعنی همهء مهاجرین ایرانی و رؤسای ملّت‏ در رکاب ایشان در اوایل رمضان بکرمانشاه ورود فرموده بترتیب ادارات‏ ایرانی و نصب حکّام و مامورین شروع فرموده‏اند.امیر ناصر خلجی را بنیابت حکومت کرمانشاه و محمّد خان را بحکومت قصر شیرین گماشته از طرف دیگر نیز مواظبت کامل در پیشرفت امور جنگ دارند.

از آن طرف نزدیک شدن اردوی اسلامی بطهران چنانکه انتظار میرفت افکار عامّهء پایتخت را بهیجان آورده و نتیجهء آن برافتادن هیئت‏ وزرای کابینهء سپهدار شد.ولیخان سپهدار یا سپهسالار اعظم که همه وقت‏ عودتش بمسند وزارت و صدارت ایران علامت یا نتیجهء بالا گرفتن نفوذ روس‏ است معزول شد و میرزا حسن خان وثوق الدّوله بجای او سر کار آمد.

لکن از تلگرافات اخیرهء جراید چنان مستفاد میشود که صدارت او نیز بیش از چند روز طول نکشید و هیئت دیگری بسر کار آمدند که میرزا حسن خان مستوفی الممالک و مهدیقلی خان مخبر السّلطنه نیز جزو آن هیئت‏ هستند.اوّلی بسمت وزارت عدلیّه و دوّمی بسمت وزارت علوم.ولی‏ از تفصیل اسامی وزرای کابینهء جدید هنوز اطّلاعاتی نرسیده است.

در همین اثنا جراید خبر دادند که سوء قصدی در طهران نسبت بدو نفر از وزرا یعنی وزیر داخله و وزیر پست و تلگراف شده و یک نفر شخص متدیّن متعصّب(بقول تلگرافات روسی)این دو وزیر را سخت‏ مجروح ساخته است.

تمام این اخبار دلیل بر این است که مقاصد سپهدار پیشرفت منظور را حاصل نکرده و بدفطرتان نتوانسته‏اند بکام دل ملّت ایران را آلت اغراض‏ دشمنان خود سازند.حکومت ارتداد سیاسی که ظلّ السّلطان و امیر بهادر را بایران دعوت کرده و قرارداد مالی و نظامی با روس و انگلیس بسته هرچه‏ زودتر خود را در مقابل غضب ملّت دریافته و مجبور شده که خیالات سوء خود را تمام نکرده از مقام خود پائین بیاید.

امید است که بواسطهء پیشرفت اردوی عثمانی در ایران و دفع روسها از حوالی پایتخت زجردیده و بواسطهء نصایح آقای نظام السّلطنه دربار طهران‏ نیز حواسّ خود را جمع کرده و خود را از زیر نفوذ دشمن بیرون آورده‏ مطابق آرزو و میل قلبی حقیقی اعلیحضرت همایونی باستقلال تمام حرکت کنند.